

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

شباهنگ راد

۰۶ اگست ۲۰۱۲

جمهوری اسلامی و افغان‌های مقیم ایران

سردمداران رژیم جمهوری اسلامی دور تازه‌ای از تعرض به افغان‌های مقیم ایران را آغاز نموده‌اند. حاکمان ایران به شیوه‌ای غیر انسانی و بناحق بر دامنه نفرت‌پراکنی افزوده‌اند و بر آنند تا اذهان عمومی را از درک علل اصلی مصائب موجود بر جامعه ایران منحرف سازند. این شگرد و خاصیت طبقه ظالم است و تاکنون چنین بوده است و رژیم جمهوری اسلامی هم در این زمینه سنگ تمام گذاشته است و با تصویب صدها قانون ارتجاعی ریز و درشت بر گستره محدودیت‌ها و بدبینی‌ها نسبت به توده‌های افغان در ایران می‌افزاید. تحقیر و توهین و به رخ کشیدن رنگ و نژاد "برتر و بالاتر" به رویه سردمداران رژیم جمهوری اسلامی تبدیل گشته است.

البته که تنش و شعله‌ور نمودن جنگ‌های "نژادی" و "قومی" در ایران ید طولانی دارد و همچنین دست چندی قلمداد نمودن جنس‌ها و محروم‌ترین اقشار جامعه هم فقط و فقط به توده‌های ستم‌دیده افغانی مقیم ایران خلاصه نمی‌گردد. در این دنیای نابرابر، نمونه راه‌اندازی جنگ‌ها تحت عنوان شیعه و سنی و غیره بسیارند و متأسفانه دامن تمامی جوامع بشری را در بر گرفته است. معین است که پی‌گیری چنین سیاستی با منافع طبقه سرمایه‌داری گره خورده است و بدون کمترین تردیدی، نیاز به ایجاد تنش و چندگانگی و تفرقه مابین توده‌های ستم‌دیده و خلق‌ها دارد. هدف گمراهی از فهم ریشه‌های علت‌هاست و پر واضح است که رژیم جمهوری اسلامی هم بنابه رسالت و ماهیتش، هم از تصویب قوانین ارتجاعی علیه توده‌های افغان سکنی گزیده در ایران، و هم در تحریک افکار عمومی و اشاعه "فرهنگ خارجی ستیزی" کمترین کوتاهی از خود به خرج نداده است. به خیال می‌خواهد موقتاً مسیر تنفر مردمی نسبت به خود را برگرداند و از پاسخ‌گویی به ریشه هزاران مشکل اقتصادی – سیاسی دست‌سازش طفره رود. بی دلیل هم نیست که به بزرگ‌نمایی جرائم قربانیان نظام‌های امپریالیستی می‌پردازد و یا ریاکارانه در تلاش است تا مصائب موجود حاکم بر جامعه را که حاصل نظام استثمارگرایی می‌باشد، به دوش توده‌های افغانی مقیم ایران بیندازد.

به بیانی دیگر و به درست می‌توان بر این امر تأکید ورزید که فقر جهانی شده است، به این دلیل که پایه سیاست سرمایه، بر اجحاف و استثمار کارگران، زحمت‌کشان و محرومان ریخته شده است؛ توهین و تحقیر فرا

منطقه‌ای است، به این دلیل که حاکمان زورگو و منفعت طلب بر سر کاراند؛ جرائم همگانی شده است و رنگ و پوست و نژاد نمی‌شناسد، به این دلیل که شکاف طبقاتی بیشتر و بیشتر شده است. مسلماً که تحت سلطه چنین مناسبات ناسالمی، ابعاد نفرت‌پراکنی، تحقیر و اخراج سازی‌ها و ناامنی‌های هر چه بیشتر قربانیان نظام، در این جامعه و یا آن جامعه، دامنه گسترده‌تری به خود خواهد گرفت.

به راستی این چه دنیائی است که حاکمان برای اکثریت آحاد جامعه ساخته‌اند و مکان زندگی آنان را تعیین می‌نمایند؛ این چه دنیائی است که عده‌ای اندک و قلیل و در عوض به یمن زور و سلاح بساط ارتجاعی‌شان را پهن و پهن‌تر می‌نمایند و خانه محرومان را به آتش می‌کشند و آنان را آواره می‌سازند.

انتخاب پوشش، تحصیل، کار و مکان زندگی حق طبیعی و اولیه انسان‌هاست. نیاز به دیکته این و آن ندارد و نمی‌توان و صلاح نیست تا به دلیل جنسیت و رنگ و نژاد، انسان‌ها را از انتخاب درونی‌شان باز داشت. هیچ دولت و نظامی و یا هیچ مرام و مسلکی حق تعیین و تکلیف به دیگران را ندارد. هیچ دولت و رژیمی حق نفرت‌پراکنی به دیگر رنگ‌ها و پوست‌ها را ندارد و بدون کمترین تردیدی انتخاب چنین سیاستی، غیر انسانی و خلاف آرمان میلیاردها توده محروم است، کاری که همه نظام‌های امپریالیستی و از جمله سردمداران رژیم جمهوری اسلامی در پی آنند. حاکمان ایران ابعاد توهین و تحقیر به افغان‌های مقیم ایران را به حدی رسانده‌اند که آن را در هیچ مقوله انسانی نمی‌توان توضیح داد. سیاست جنایت‌کارانه‌ای که فقط و فقط در قاموس و فرهنگ جانین حاکم بر جامعه ایران قابل بررسی است. چه کسی است که می‌تواند باور کند رژیم جمهوری اسلامی جدا از ممنوعیت اقامت توده‌های افغان در ۱۴ استان کشور [از جمله آذربایجان شرقی، آذربایجان غربی، اردبیل، زنجان، کردستان، کرمانشاه، ایلام، لرستان، چهارمحال و بختیاری، کهگیویه و بویراحمد، گیلان، مازندران، سیستان و بلوچستان، هرمزگان و همدان]، مانع ورود افغان‌ها - و آن‌هم به بهانه مسخره حفظ امنیت و آسایش مردم - به پارک کوهستانی صفا در اصفهان گردیده است.

متأسفانه ارتکاب چنین اعمال جنایت‌کارانه‌ای در حق افغان‌های مقیم ایران یکی دو نیست و در تداوم چنین سیاستی است که «غلامرضا غلامی» مدیر اتباع و مهاجران استانداری فارس - و آن‌هم به بهانه جلوگیری از شیوع بیماری‌های واگیردار -، اعلام می‌نماید که: "نانوائی‌ها، سوپرمارکت‌ها و مراکزی که مواد غذایی می‌فروشند، در صورت عدم رعایت این طرح، پلمپ و جریمه خواهند شد".

با وقاحت تمام می‌گویند که فروشگاه‌های مواد غذایی حق فروش نیازهای اولیه زندگی به افغان‌های بدون مجوز را دارا نمی‌باشند و صاحبان آن در صورت عدم اجرای سیاست‌های غیر انسانی رژیم جمهوری اسلامی مجازات خواهند شد!!

البته که از این دست سیاست‌های به غایت ارتجاعی و توهین آمیز و همچنین عدم صدور هویت و شناسنامه ۳۲ هزار کودک که حاصل ازدواج زنان و یا دختران ایرانی با اتباع "بیگانه" که اغلب از پدران افغان هستند و از هیچ حقوق و مزایای تحصیلی و رفاهی برخوردار نمی‌باشند را با هیچ منطق انسانی نمی‌توان توضیح داد؟

بنابه گفته سران رژیم جمهوری اسلامی بیش از ۳ میلیون توده افغان به ایران سرازیر شده‌اند که از این میان، به ۹۰۰ هزار نفر از آنان اجازه اقامت داده شده است و بیش از ۲ میلیون نفر دیگر آن، و آن‌هم بدون کمترین امکانات و مجوزی به کارهای شاق و طاقت‌فرسا و آن‌هم با درآمدهای بسیار ناچیز مشغول‌اند. این تصویر زندگانی میلیون‌ها انسان محروم افغان در ایران می‌باشد و بی شک عامل اصلی چنین وضعیت تأسفباری بر گرده سران رژیم جمهوری اسلامی است. روزی بنابه مصالح و منفعتی از زبان خمینی می‌شنویم که: "آواره‌هایی که از افغانستان

آلان در ایران هستند و مشکلات زیادی دارند. البته ملت خیلی کمک می‌کند در همه امور. لکن اینطور نیست که کمک ملت کافی باشد. دولت است که متکمل این امور است و مسئول این امور است. و همینطور میهمان‌هایی که داریم. خوب افغانستانی هستند. مسلمان هستند یا فرض کنید که عراقی هستند یا بیچاره‌ها را از خانه‌هایشان دور کردند. مالشان را بردند، خودشان را فرستادند این‌جا. خوب باید چه کرد با این‌ها؟ نباید این‌ها را پذیرائی کرد؟ ما مسلمانیم، آن‌ها هم مسلمانند. ما باید از آن‌ها پذیرائی کنیم، خدمت کنیم به آن‌ها و این دولت است که دارد این کارها می‌کند، و روزی دیگر سردمداران رژیم جمهوری اسلامی به بهانه حفظ امنیت و آسایش مردم، مانع ورود افغان‌های مقیم ایران به پارک می‌شوند و در ۱۴ استان کشور را بر روی آنان می‌بندند و امروزه با اتخاذ سیاست‌های به غایت ارتجاعی و غیر انسانی به سوپرمارکت‌ها و فروشگاه‌های مواد غذایی اعلام می‌نمایند که حق فروش مواد غذایی به افغان‌های بدون مجوز را ندارند و در طرحی سازمانیافته دیگر، خانه‌های افغان‌های محروم در یزد را به آتش می‌کشند تا به خیال خود از دامنه جرائم بکاهند!!!

متأسفانه این‌روزها نظام‌هایی از حق و حقوق و از حفظ امنیت و آسایش مردم "خودی" سخن به‌میان می‌آورند که پرونده‌شان در چپاول و در دستگیری و کشت و کشتار کارگران و زحمت‌کشان و کودکان، بسیار و بسیار قطور و تهوع‌آور است. فحشاء و فقر و بی‌مسکنی و نداری و ناامنی در زیر سلطه این جانیان بیداد می‌کند و هزاران نفر به دلیل فقدان تهیه مواد اولیه زندگی، جان‌شان را از دست می‌دهند و بسیاری دیگر، در صف مرگ تدریجی‌اند و در همان حال سردمداران رژیم جمهوری اسلامی و با توسل به دروغ‌های مه‌آلود از یکطرف در صدد اشاعه فرهنگ پاسداری از "حفظ امنیت و آسایش مردم"‌اند و از طرف دیگر در پی سیاست نفرت‌پراکنی‌اند. شکی در آن نیست که سرازیر شدن محرومان از کشورهای جنگ‌زده و ناامن سیاسی - اقتصادی، همگانی شده است و رنگ هر جامعه و دنیا را زیر و رو نموده است و به‌موازات آن تحقیر و توهین به "ملیت"‌های غیر خودی هم به جزء ذاتی و سیاست روتین دولت‌های حاکم بر جهان سرمایه‌داری تبدیل گشته است. بحران همه‌جا را فرا گرفته است و اعلان آمارهای بیکاری و جرائم متفاوت در کشورهای گوناگون که روزانه از بلندگوهای تبلیغاتی‌شان اعلام می‌گردد به نوبه خود گویای این حقیقت است که علل نابسامانی‌های موجود در جوامع بشری نه به دلیل حضور قربانیان نظام‌های امپریالیستی و جنگ‌زده و ناامن بلکه در سیستم و مناسبات ظالمانانه حاکم بر کشورها نهفته می‌باشد.

به عنوان مثال در ایران بیش از ۴ میلیون کودک کار وجود دارد و ۴۰ درصد از آحاد جامعه به دلیل فقر و نداری به مواد مخدر روی آورده‌اند و میلیون‌ها کارگر با حقوق ۳۳۰ هزار تومانی زندگی می‌کنند، در حالی که - بنابه گفته خود سردمداران رژیم جمهوری اسلامی - خط فقر، ۱ میلیون و ۲۰۰ هزار تومان در ایران می‌باشد. معین است که چنین مناسباتی تولیدکننده هزاران بلایای اقتصادی - اجتماعی است. شکی در آن نیست که این رژیم‌ها به درد مردم نمی‌خورند و باید ریشه همه آن‌ها و آن‌هم با هر رنگ و لباسی سوزانده شود. این دنیای میلیارد‌ها انسان زحمت‌کش و فرزندان‌شان نیست. دنیایی که در آن، رنگ پوست‌ها طبقاتی شده است و دنیایی که در آن انسان‌ها را به دلیل جنسیت از تحصیل باز می‌دارند، و در دنیایی که انسان‌ها اجازه انتخاب مکان زندگی خود را ندارند، نمی‌تواند دنیای انسانی باشد. این نگاه، نگاه طبقات منفعت‌طلب و نگاه سردمداران رژیم جمهوری اسلامی نسبت به دنیا و مقوله انسانی است. معین است که سرنوشت انسان‌های محروم در نظام‌های امپریالیستی و در زیر سلطه رژیم وابسته جمهوری اسلامی، تحقیر و توهین توأم با سرکوب و انقیاد می‌باشد.

در یک کلام و به صراحت می‌توان اعلام نمود که روابط حاکم بر جهان کنونی مولد جرائم متفاوت و جدائی انسان‌ها و بی‌تفاوتی‌هاست، و تا زمانی که این نظام‌ها و از جمله سردمداران رژیم جمهوری اسلامی بر سر کاراند ابعاد

توهین، تحقیر و تعرض به معیشت کارگران و زحمت‌کشان و به ویژه توده‌های محروم افغان مقیم ایران ابعاد گسترده‌تری به خود خواهد گرفت؛ چرا که سیاست دولت‌ها بر پایه استعمار و چپاول محرومان و دروغ‌گوئی، و بر تشدید تنش فیما بین قربانیان نظام‌های امپریالیستی ریخته شده است. انتظاری فراتر از این، از این نظام‌ها نیست و تنها با نابودی و محو کامل نظام‌های امپریالیستی و دولت‌های وابسته به آنان و از جمله رژیم جمهوری اسلامی است که دنیا شاهد حذف سیاست نفرت‌پراکنی و رنگی و نژادی است. این آن دنیایی است که کارگران و زحمت‌کشان در پی آنند و این آن دنیایی است که در آن انسان‌ها از حق تحصیل و پوشش و زندگی توأم با امنیت و آسایش برخوردار خواهند بود.

اگست ۲۰۱۲

مرداد [اسد] ۱۳۹۱